

فرهنگ فارسی- انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا  
(محدود به واژگان در آثار کین ویلبر)

آ- الف ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش  
ص ض ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی

## آ- الف

archaic	آرکائیک- کهن نمون
نخستین مرحله در تکامل شعور است. اشاره به مرحله ایست که فرد در آن اهم تلاش خود را مصروف حفاظت از ساختار بدن یا ترکیب جسمانی، حسی و درکی خود میکند.	
manifest	آشکار- مشهود
awareness	آگاهی. هوشیاری
genesis	آفرینش
involution	آفرینش- خلقت(واژه ای در برابر تکامل)
structural coupling	آمیزش ساختاری
that worldly	آن جهانی
آن جهانی در مقابل این جهانی گذاشته شده است. آن جهانی اشاره به جهان معنویات و روحانی دارد. این باور جهان معنوی یا روحانی را اصل دانسته و این جهانی مادی را وهم فرض میکند. نیروی محرکه این جهان را در عالم ماورا یا متافیزیک و یا خدانی جستجو میکند. افراط در این دیدگاه به تقلیل گرانی ذهنی می انجامد که علت وجودی همه واقعیت ها را روحانی یا ماورانی دانسته و از این راه یا به جهان عینی پشت میکند و یا کمر به تخریب آن میبندد.	
atomism	اتم باوری
mythic	اسطوره ای
social	اجتماعی
pattern	الگو
existantialism	اگزیستانسیالیسم
معتقد به اصالت انسان یا به عبارتی نیت انسان را اصل تمام پدیده ها میدانند.	
translative	انتقالی- ترجمه ای
integral	انتگرال- تلفیقی
انضمامی- سنتز فراگیر. وحدت در کثرت	
image	انگاره
imperialism	امپریالیزم
empirical	امپریکال
به معنای تجربی بطور عام است. دکارت امپریکال را محدود به تجربیاتی کرده بود که از راه حواس پنجگانه بدست میآیند. این معنای محدود یا تنگ امپریکال است. تجربیات میتوانند درونی ویا معنوی باشند و خصلت بازتولیدی داشته باشند. این معنای فراخ امپریکال است.	
communion	انبازی- تعاون- مشارکت
anthropocentric	انسان محوری
humanistic	انسان گرا
species	انواع
speciesism	انواع گرایی

این جهانی	this worldly
تعلق به دنیای مادی و انکار واقعیت های معنوی یا دنیای روحانی. ماتریالیسم و سکولاریته محض نمونه بارز آنست. تقلیل گرایی عینی که دست پرورده این جهانی است واقعیت های معنوی را با ابزار شناسایی واقعیت های عینی می سنجد که البته به انکار آنها می انجامد.	
<b>ب</b>	
باطن- درون	interior
آنچه که مربوط به احساسات، عواطف، تصورات، پندارها و حالات تجربی معنوی و روحانی میشود. این قلمرو بر خلاف برونی و ظاهری که از راه دانش منولوگی کشف میشوند احتیاج به پژوهش از راه های پدیدارشناسی، علم تاویل، زبان شناسی و غیره، یا روش های دیالوگی دارد.	
باز تولید	reproduction
بازسازی	reconstruction
بدون چشم انداز	aperspective
بطور اقلیمی	natively
بطور الهامی	intuitively
بنیادی	fundamental
بینذهنی	intersubjective
اشاره به مناسبات شعوری بینا فردی می باشد. باورها، پندارها و اخلاقیات و ارزشها و تمام هنجارهای مشترک بین مردم یک اجتماع، آنچه که به مقوله فرهنگ مربوط میشود.	
<b>پ</b>	
پدرسالارانه	patriachal
پدیدارشناسی	Phenomenology
پساسنتی	postconventional
در طبقه بندی اخلاق کلبرگ، مترادف با سطح شعور معقول ویلبر است. شخص در این سطح از شعور با دیدگاه های دیگران تعامل میکند.	
پستانداران اولیه	Primates
پسگرا	regressive
پیش عملی	preoperational
طبقه بندی شعور پیاژه؛ برابر با تفکر اسطوره ای است. شخص در این سطح علت و اساس تمام پدیده های عینی و ذهنی را در نیروهای ماوراء طبیعی و خدایان و زنخدایان جستجو میکند.	
پیش شخصی	prepersonal

preconventional	پیش سنتنی در طبقه بندی اخلاق کلبرگ، مترادف با سطح شعور جادوجنبلی ویلبر است.
<b>ت</b>	
contemplative fixation	تأملی - سیر و سیاحت عرفانی تثبیت
Zygote	تخمک بارور
transformation	تحول
differentiation	تفکیک - تمایز
reductionism	تقلیل گرایی
روش شناسی مناسب قلمروی خاصی را در مورد قلمروی دیگری بکار بردن و به نتیجه ای دست یافتن است. مثلا فرمول ها یا قانونمندی های فیزیک را در قلمروی زیست شناسی یا پدیده های معنوی بکار بستن، یا بر عکس عمل کردن و نتایج حاصل را حقیقی دانستن. با تفکیک دقیق قلمروها و بکارگیری روش شناسی مناسب میتوان از تقلیل گرایی پرهیخت.	
evolution	تکامل
impulse	تکانه
fulcrum	تکیه گاه
unitive	یکانه- یکتا
development	توسعه- رشد- پیشرفت
body	تن
<b>ج</b>	
magic	جادوجنبلی
determinism	جبرگرایی
stream	جویبار
sexism	جنسیت گرایی
worldview	جهان بینی
worldcentric	جهان محور
mutation	جهش، موتاسیون
<b>چ</b>	
perspective	چشم انداز - دیدگاه

## ح

state	حالت
nest	حجرگان تو در تو مقصود ساختاری بمانند حفرگان تودرتو. بمانند عروسک های تودرتوی روسی.
sensations	حسیات
sensorimotor	حسی- حرکتی
sliding	حرکت کشوئی بالا و پائین رونده
State	حکومت

## خ

emptiness	خالی بودگی
self	خود
self-sense	خود درکی
self-preservation	خود حفاظتی
autopoiesis	خود سازی
self-transcendence	خود فراروی
self-dissociation	خود گسستگی
autonomous	خود مختار
Self	خود مطلق
near self	خود نزدیک
اشاره به خودی است که ورای خود معمولی به نظاره خود مشغول میشود. "من دور" دارای تن، احساس، تفکر و آرزوها و غیره هست ولی "من نزدیک" از تمام آنها برخوردارست ولی هیچ کدام از آنها نیست. "من نزدیک" ورای تمام این تعلقات، ناظر بر تمام آنهاست.	
self-adaptation	خود سازگاری- با محیط خود را سازگار کردن

## د

signifier	دال
grade	درجه
introspection	درون نگری
perceptions	دریافت ها
درسیر تکامل بعد از مرحله حسیات که از راه اندام های ارگانیکی حسی رخ میدهند قرار	

میگیرد. تحریک حس های پنجگانه به دریافت ذهنی آنها می انجامد.

dualistic  
religion

دوگانه بودن  
دین

## ذ

spirit  
phallocentrism  
mind  
subjective

ذات(مطلق)- روح- جوهر- احدیت- جانان- خدا  
ذکر مداری  
ذهن  
ذهنی

## ر

heuristic  
behavioristic

راهنما

رفتار گرا

در روانشناختی، رفتار ظاهری شخص معیار سنجش احساسات، تفکر و نیت ویا آنچه که مربوط به مناسبات درونی اوست میشود. صورت خندان شخص گواه بر شادی و سعادت اوست و غیره.

psyche  
psychoanalytic

روان

روان کاوانه

تاکید روی عملکرد شعور نا خودآگاه دارد. هر گونه کردار حتا آگاهانه شخص را منسوب به فعالیت شعور ناخود آگاه دانسته و هم خود را مصروف کشف آنها میکند.

psychic  
enlightenment  
psycholog

روانی

روشنگری

روان شناختی(شناسی)

علمی که شعور، وجدان یا روان شخص را موضوع مطالعه قرار میدهد.

soul  
spiritual  
spirituality  
attitude  
lucid dreaming

روح

روحانی

روحانیت- ذات گرائی

روحیه

رویای شفاف

Morphogenesis

ریخت(ساخت) تولیدی

(تولید و باز تولیدی ساخت یا سازواره بر پایه قابلیت های درونی- در عرصه زیستی)

morphic

ریختی

## ز

logocentrism	زبان محوری
chronological	زمانی(تقویمی)- گاهنباری
gross	زمخت
biology	زیست شناسی

## س

structure	ساختار
deconstruction	سازند زدائی
structuration	ساختار مندی
constructivism	سازندگرائی
منشاء واقعیات و دانش را در روابط فرهنگی و اجتماعی محض جستجو میکنند.	
structuralism	ساختارگرا
معتقد به قانونمندی و فرمول منشی در تمام روابط عینی و ذهنی است.	
organization	سازمان
drive	سائق- رانش
flatland	سرزمین صاف
ویلبر این واژه را برای مکتب هانی که به سلسله مراتب یا طیف در واقعیت ها باور ندارند و واقعیت ها را یک بعدی میانگارند بکار میبرد. وقتی میگوئیم تمام ایده ها باورها محترمند و دارای ارزش مساوی هستند، خوب و بد یا بهتر و بدتر را هم سطح قرار داده ایم. تفکر خشم را با ایده شفقت هم تراز دانستن است.	
archetype	سرنمون - الگویی کهن
الگوی ذهنی نخستین که معمولا ناخودآگاه باشد. این الگو نه فردی بلکه حاصل شعور جمعی است. این واژه مخصوصا در روان شناختی یونگ نقش برجسته ای دارد. الگویی نخستین الگویی است که مبنای تغییر و تحول بعدی در شعور فرد میباشد. فرهنگ های ابتدائی اجتماعات از نمونه های این نوع شعور است.	
symbol	سمبول نماد
چیزی که بمانند چیز دیگری نیست. وقتی میگوئیم نی نماد انسان است، بدون شک به توضیح احتیاج دارد.	
level	سطح
conventional	سنتی
طبقه بندی شعور کلبرگ، که مترادف با سطح شعور اسطوره ای ویلبر میباشد.	

## ش

clade	شاخه
include	شامل کردن
witnessing	شاهد بودن- نظارت
personal	شخصی
consciousness	شعور-هوشیاری
subconscious	شعور بالقوه (ناخودآگاه)
self-conscious	شعور خودآگاه
superconscious	شعور ابر آگاه
epistemology	شناخت شناسی

## ط

naturalism	طبیعت گرایی
------------	-------------

## ص

rock	صخره- سنگ
------	-----------

## ظ

exterior	ظاهر- برون
واقعیت هائی که با روش های منولوژی قابل کشف هستند. روش علوم فیزیک، شیمی، بیولوژی، علوم اجتماعی ویا روانشناختی رفتاری و غیره ابزار کشف این نوع از واقعیت ها هستند.	
subtle	ظریف

## ع

affective	عاطفی
agency	عاملیت- استقلال- خودبودگی
mysticism	عرفان- مکتب اسرار
integral mysticism	عرفان انتگرال



formless mysticism	عرفان بی شکل (بی صورت)
nature mysticism	عرفان طبیعت
causal	علی
cosmos	عالم (گیتی) خاکی
مقصود جهان عینی، قابل لمس است. مجموعه آنچه که به قلمروی ذهن یا درون مربوط میشود در این عالم شامل نیست.	
hermeneutics	علم تفسیر
cognitive science	علم شناخت
formal operational	عملی رسمی
نوع تفکر معقول میباشد. حاضر به مشارکت در دیدگاه های گوناگون است.	
concrete operational	عملی کنکریت
objective	عینی
آنچه به عالم ظاهر و قابل لمس تعلق دارد. واقعیت های عینی با ابزار علوم منولوژی از جمله فیزیک، شیمی، زیست شناسی و غیره قابل مطالعه هستند.	
<b>غ</b>	
teleology	غایت شناسی
<b>ف</b>	
transcend	فراروی
این واژه در آثار ویلبر جایگاه خاصی دارد. فراروی به سطح نوین دست یافتن است که لزوماً سطح پیشین را در خود شامل میکند. این شامل کردن سطح پیشین منفعلانه نبوده بلکه کاملاً هوشیارانه و بطور پویایی انجام میگردد.	
transpersonal	فراشخصی
emergent	فرایند (غیر منتظره)
cultural	فرهنگی
actualization	فعالیت بخشیدن
<b>ق</b>	
canon	قانون- حکم شرعی
biosphere	قلمرو زیستی
قلمروی شامل موجودات زنده از سطح سلول گرفته تا به سطح گیاه، حیوان و انسان	

physiosphere	میشود.
centauric	قلمروی فیزیکی
noosphere	قنطورسی قلمرو معنا
<b>ک</b>	
function	کارکرد- عملکرد- فونکسیون
Kosmos	کاینات
شامل عالم عینی و محسوس و تمام آنچه که به قلمروی معنا و درون تعلق میگیرد. تمام سه قلمروی جسمانی، زیستی و معنوی مورد نظر است.	
wholism	کل باوری
wholeness	کلّیت
<b>گ</b>	
Gaia	گایا
کره زمین همراه با قلمرو زیستی	
Uni-versum	گردونه واحد
secularism	گیتی گرایی
<b>م</b>	
matter	ماده
materialism	مادی گرایی- ماتریالیسم
باور به اصالت ماده یا عینیت در تمام پدیده ها اعم از عینی و ذهنی. زیربنای تمام واقعیت های جسمانی، زیستی و معنایی را ماده یا اتم و یا روابط مادی تشکیل میدهد. احساسات، پندارها، تجربیات روحانی و فرهنگ و غیره که منسوب به قلمروی درون هستند اصالت نداشته، همگی از مغز مادی و یا روابط مادی و اقتصادی جامعه نشات میگیرند. این برداشت از واقعیت ها از نوع تقلیل گرایی عینی(یا مادی) بشمار میآید.	
transformative	متحوّلی
signified	مدلول
androcentric	مرد محوری
concept	مفهوم
meditation	مراقبه
rational	معقول

مرحله ای از تکامل شعور که حاضر به پذیرش دیدگاه های دیگر است.

brain	مغز
category	مقوله
compound individual	منفردهای مرکب
wave	موج
significant	مهم- معنادار

## ن

nondual	نادوگانه
عالی ترین سطح شعور(خدانی) است. فارغ از دوگانگی و با عباراتی بمانند "همه و هیچ"، "صورت بی صورت" یا "لبریز خالی" و غیره توصیف پذیر است.	
elitism	نخبه سالاری
racism	نژاد گرایی
sign	نشانه
semiotics	نشانه شناسی
self-system	نظام خود
catastrophe theory	نظریه فاجعه
set theory	نظریه مجموعه
egocentric	نفس محور- خودشیفتگی
representationalism	نماد پسندی- سمبول گرایی
این سطح شعور در وضع انتقالی از سطح جادوچنبلی به سطح اسطوره ای مشاهده میشود. در این سطح تعبیر یا توصیف واقعیت ها در نمادها یا سمبول ها از اهمیت برخوردارند.	
unmanifest	نهان
intentional	نیستی

## و

reality	واقعیت
span	وسعت
enactive	وضع کننده
jingoism	وطن شیدائی
adaptationalism	وفق گرایی

heterarchy	هترارشی (تغییرات در محور افقی)
ontology	هستی شناسی
holarchy	هولارکی (سلسله مراتب هولون ها)
holon	هولون (کل- جزء ها)
identify	هویت سازی- این همانی دادن
emotional-sexual	هیجانی- جنسی
hierarchy	هیرارشی (سلسله مراتب در محور عمودی)

